

بحثی درباره ترجمه کتاب قانون ابن سینا

« بسم الله الرحمن الرحيم ... بعضی از دوستان نزدیک از من خواستند و مرا وادار کردند به نگارش کتابی پردازم که مشتمل بر قوانین کلی و جزئی طب باشد و در آن باختصار ولی بطور کامل مطالب پزشکی شرح داده شود »

باچنین جمله ساده و بیان روان هزار سال پیش کتابی نوشته شد که در عالم پزشکی یکی از مهمترین و مشهورترین کتب محسوب میشود. نویسنده این کتاب ابوعلی حسین ابن عبدالله ابن سینا ملقب به شیخ الرئیس و اسم کتاب «القانون فی الطب» است. قانون ابن سینا برخلاف تصور یک کتاب نیست، بلکه مشتمل بر پنج کتاب یا جلد است که هر یک بچند «فن» و «تعلیم» و «جمله» و بالاخره «فصل» تقسیم بندی شده است.

اصول پزشکی کتاب «القانون فی الطب» بر اساس طب بقراط و ارسطو و جالینوس و بالاخره رازی و علی ابن العباس مجوسی، پایه گذاری شده است ولی منطق و طبقه بندی و تفصیلی که در کتاب قانون بکار برده شده بی شک بر شهرت آن افزوده است. دویمت سال پس از اینکه قانون بزبان عربی بسیار فصیح نوشته شد بزبان لاتین یعنی زبان علمی متداول اروپای آن زمان ترجمه شد و باین صورت یگانه مآخذ پزشکی در سراسر اروپای قرون وسطی بود و حتی تا سنه ۱۶۵۷ در دانشگاههای سن لئوی و منت پلیه تدریس میشد.

برای اولین بار در سال ۱۵۹۳ در شهر روم و در سال ۱۸۷۴ در قاهره کتاب

قانون بزبان عربی بچاپ رسید و از آن پس تمام یا قسمتی از قانون بزبانهای اردو و عبری و حتی ازبک ترجمه شد و بالاخره در سال ۱۹۳۰ دانشمند انگلیسی بنام کامرون گرونر (O. Cameron Gruner) جلد اول قانون را با استثناء قسمت تشریح آن بطرز بسیار جالبی بزبان انگلیسی ترجمه کرد که متأسفانه اکنون نسخ دیگری از این ترجمه بدست نمیآید.

در سال ۱۹۵۱ دکتر سایریل الگود (Cyril Elgood) که مورخی بنام است و با طب ایران و عرب آشنائی کامل دارد بترجمه صحیح و کامل قانون کمرهت بست ولی پس از چندین سال زحمت در این راه باین نتیجه رسید که ترجمه قانون محال و بی فایده است و دیگر آنرا از مبادرت بچنین کار منع کرد. بی شک نوشته‌های ابن سینا طی هزار سال پس از مرگ شیخ الرئیس دستخوش تغییرات زیادی شده که در امر ترجمه آن تولید اشکال فراوان نموده است. اخیراً در شهر کراچی در پاکستان دکتر مظهر شاه پس از چند سال کوشش موفق شده است کتاب اول قانون را بزبان انگلیسی ترجمه کند. جلد اول «القانون فی الطب» بزبان انگلیسی بدست دکتر مظهر شاه در سال ۱۹۶۶ در کراچی بنحو مطلوبی به ابعاد ۱۵ × ۲۵ × ۴ سانتی متر با جلد مقوایی چاپ شده است. پیش گفتار آن بقلم دکتر کامرون گرونر میباشد. در مقدمه نسبتاً مفصل کتاب تاریخچه مختصری از ترجمه‌های مختلف قانون طی قرون گذشته بنظر میرسد. سپس در این مقدمه درباره اصول فلسفی قانون و مبانی و اصطلاحات طبی قانون یا مکتب بقراطی بحث شده است. متأسفانه در انتهای مقدمه کتاب خود دکتر مظهر شاه عقائد شخصی خود را درباره تدریس علم پزشکی و بطور کلی موقعیت پزشکان در جامعه امروز و بخصوص طب یونانی در مشرق زمین در عهد معاصر، شرح میدهد که ربطی به اصل «القانون فی الطب» ندارد.

پس از مقدمه، مترجم به اصل مطلب میرسد و بترجمه بدون تفسیر متن قانون می‌پردازد. کتاب اول قانون که عنوان آن «اصول کلی» باشد منجمله فهرست کامل و قسمت تشریح بتمامی در ۴۳۷ صفحه ترجمه شده است.

سپس فصلی در کتاب دکتر مظهر شاه بچشم میخورد که در هشت صفحه شرح حال زندگی ابن سینا بیان میگردد. نه تنها این قسمت از کتاب بسیار کوتاه است بلکه در حقیقت میبایست در اول کتاب آمده باشد.

نخستین مشکل در انتقاد از کتاب دکتر مظهر شاه این است که چگونه میتوان بحث درباره این ترجمه را از بحث درباره خود « القانون فی الطب » شیخ الرئیس تفکیک کرد و آیا میتوان نتیجه گرفت که ترجمه فعلی صحیح است یا نه ؟ اگر نویسنده این مقاله دربدو امر اعتراف کند که تمامی القانون را تا بحال نخوانده است چه برسد باینکه معانی واقعی آنرا درک کرده باشد ، از اظهار نظر در صحت یا سقم ترجمه دکتر مظهر شاه معذور خواهد بود . در اینجا باید دو نکته را یاد آور شد :

اول اینکه زبان عربی که ابن سینا در نگارش القانون بکار برده است عربی بسیار مشکل و پیچیده است که حتی بعضی از عربی دانهای ماهر هم از فهم آن عاجزند . دوم اینکه مطالب قانون مملو از افکار فلسفی و منطقی و حتی عرفانی میباشد که درک آنها از عهده هر پزشک بر نمیآید . ولی یکی از محسنات بسیار واضح کتاب دکتر مظهر شاه این است که بزبان انگلیسی بسیار روان و قابل استفاده نوشته شده است . در حقیقت خواندن قانون آنطور که دکتر مظهر شاه آنرا ترجمه کرده است بسیار آسان است و این خود یکی از نکات ممتاز و دلپذیر کتاب دکتر مظهر شاه است . جای خوشوقتی است که دکتر مظهر شاه سعی نکرده است فصاحت گفتار ابن سینا را با استفاده از کلمات و اصطلاحات مشکل زبان انگلیسی بما برساند و از این نظر کتاب دکتر مظهر شاه برای اغلب پزشکان که بزبان انگلیسی آشنا هستند بسیار مطلوب است .

اعتراض بعضی از منتقدین غیر ایرانی به کتاب دکتر مظهر شاه مبنی بر اینکه سادگی و سلاست انگلیسی آن از مفهوم حقیقی قانون کاسته است بهیچوجه وارد نیست . زیرا همانطور که گفته شد امروز کمتر کسی است که قادر باشد قانون را بصورت اصلی خود یعنی عربی بخواند و بفهمد و ضمناً پزشکی باشد که با اصول فلسفی و طب قدیمی آشنا باشد و آنگاه حق داشته باشد درباره ترجمه دکتر مظهر شاه اظهار نظر صحیح کند .

البته امریست طبیعی که هر ایرانی و بخصوص پزشکان ایرانی نسبت به ابن سینا و کتاب قانون شیخ الرئیس علاقه خاصی داشته باشند و تا اندازه ای این احساس نسبت به کتاب قانون طبعاً یک نوع جنبه غرور ملی بخود گرفته است . در بسوغ ابن سینا

هیچ شکی نمیتوان داشت و علی‌رغم ادعای خنده‌آور بعضی از عرب‌زبانها یاغیر آنها که ابن سینا را طبیب عرب می‌نامند (چون بسیاری از نوشته‌های او بزبان عربی است) ایرانی‌الاصول بودن شیخ‌الرئیس کاملاً محرز است.

بنابر این وجود شخصیتی مثل شیخ‌الرئیس بحق میتواند موجب مباهات پزشکان ایرانی باشد. اما خطر در اینجاست که ممکنست این طرز فکر بخصوص بین عوام به صورت دیدگری جلوه‌گر شود و مردم مطالب طبی قانون را از دریچه احساسات خود درك نمایند و تحت یک نوع تعصب قرار گرفته و نتوانند از روی منطق قضاوت کنند. حتی ممکنست زبان حال بعضی اشخاص را اینطور بیان نمود «خوب... الحمدلله با ترجمه قانون ابن سینا بالاخره طبیب واقعی و داروی حقیقی در دسترس مردم قرار گرفت و درد بی‌درمان ما معالجه خواهد شد...»

بشر در تمام قرون و اعصار در جستجوی درمان واقعی یا اکسیر زندگی بوده است و جای تعجب نیست اگر امروز هم عوام شیفته شهرت نوابغ شوند و به افکار آنها اعتقاد بیاورند بخصوص اگر نابغه مورد نظر هم میهن آنان باشد. اینجاست که باید قدری تأمل کرد و پرسید آیا عقائد پزشکی شیخ‌الرئیس واقعاً قابل قبول است یا نه و گفته‌های طبی او در مقایسه با حقائق پزشکی و اکتشافات امروزی تا چه اندازه صحت دارد؟ تشخیص درست در این مورد مستلزم درك دو مطلب است:

اول باید قدری باسیر تکامل علم پزشکی در تاریخ آشنا بود و سپس باید اطلاعات

کلی و جامعه‌ی از اصول علم پزشکی داشت:

بیست و چهار قرن پیش در سال ۴۶۰ قبل از میلاد مسیح یعنی ۵ سال پس از مرگ

خشیارشا از سلسله هخامنشی، در جزیره کوس یکی از جزایر دریای آژه مردی بدینا آمد با سم بقراط که میتوان او را بحق پدر طب نامید چون او طب را از خرافات و بیماری را از قهر و غضب خدایان مجزی کرد. هشتاد و هفت نوشته طبی بقراط و همکارانش در دست است و بروایتی درختی که در سایه آن بقراط مکتب خود را اداره میکرد هنوز سبز و پا برجاست.

بقراط دو خدمت بسیار مهم دیگری بعلم پزشکی کرد اول اینکه تشخیص

بیماری را بر اساس تاریخچه مرض و معاینه کامل بدنی بیمار استوار کرد و علل

بیماری را در بدن خود بیمار جستجو کرد نه در سیارات و ثوابت. دوم اینکه بقراط حرفه پزشکی را از صورت یک شغل انتفاعی خارج کرد و پزشکی را یک خدمتگزار خلق و محرم اسرار مردم جلوه داد. گرچه امروز بعضی پزشکان سوگند بقراطی خود را که هنگام دریافت درجه خود ادا میکنند کم و بیش فراموش کرده‌اند، معذک آنکه اصول اخلاقی و معنوی پزشکی همچنان از زمان بقراط باین طرف محفوظ است.

بقراط اصول علم پزشکی را بر اساس تغییرات و تحولات طبیعت برقرار کرد و اخلاط اربعه را که چهار طبع صفاوی و بلغمی و دموی و سوداوی باشند معیار قرار داد و کلیه امراض را نتیجه اثرات چهار عنصر اصلی یعنی آب و آتش و خاک و باد و چهار حالت گرمی و سردی و خشکی و رطوبت دانست. اگر بخاطر داشته باشیم که تمدن بشر در زمان بقراط یعنی ۴۶۰۰ سال پیش، هنوز تمدن فنی یا علمی واقعی نبود، به آسانی میتوان درک کرد که بقراط چاره‌ای جز این نداشت که شالوده مکتب خود را بر اساس عوامل طبیعی قرار دهد. یک قرن بعد از او ارسطو اصول فلسفی و منطقی خود را به ارکان پزشکی بقراط افزود و حتی جالینوس که در سنه ۳۰۰ بعد از میلاد مسیح بدنیا آمد و قدری روحیه آزمایشی و تحقیق علمی هم داشت، روش طب بقراط و اصول مکتب او را تأیید کرد.

نابغه پزشکی ایرانی محمد ذکریای رازی گرچه آثار بسیار ارزنده‌ای بر اساس کاوش و تتبع از خود باقی گذاشت ولی اساس طب بقراطی را پذیرفت. بالاخره ابن سینا که ۱۳۰۰ سال پس از بقراط زندگی میکرد اصول و پایه احکام بقراط را مستحکم نمود و باوج کمال رسانید. نباید فراموش کرد که شیخ الرئیس در و حله اول یک فیلسوف و عارف بود و در ریاضیات و ادبیات زبان مادری خود یعنی فارسی و عربی تسلط کامل داشت. هوش خارق العاده و نیروی جسمانی و در حقیقت نبوغ عجیب او بود که باعث شد دانستیهای پزشکی آن روز را در مغز خود تجزیه و تحلیل کند و به صورت درخشانی نمایان سازد.

همانطور که پس از دوره قرون وسطی تمدن بشر بخصوص در مغرب زمین طی

مدت نسبتاً کوتاهی دگرگون شد و تمام علوم بشری بر اساس تجربه و آزمایش مستقر گردید، در علم پزشکی نیز رفته رفته تحولاتی بوجود آمد. با کشف میکروسکوپ بوجود میکرب پی برده شد. اسرار جریان خون در بدن آشکار گردید و دانشمندان یکی پس از دیگری به پیشرفت سریع علم پزشکی کمک نمودند. صرفاً بخاطر مثال و مصداق میتوان گفت که همانطور که ستاره شناسی از مراحل احکام نجومی Astrology گذشته و با پیدایش تلسکوپ بصورت علم هیئت Astronomy در آمده است در علم پزشکی هم پیشرفتهای بزرگی نصیب بشر گردیده است. امروز دیگر مزجه بلغمی و صفراوی و دموی و سوداوی همان اندازه معنی و مورد دارند که بگوئیم عناصر اصلی تمام اجسام همان چهار عنصر آب و خاک و باد و آتش میباشند!

بصورت خلاصه میتوان گفت که طب بقراطی و جالینوس و مکمل آن که قانون ابن سینا باشد، اصولاً ربطی به طب علمی امروزه ندارد و هیچ جای شبهه‌ای هم نباید باشد که علم پزشکی امروز بحقیقت بسیار نزدیکتر است تا طب قدما. اگر مبانی طبی ابن سینا را قبول نداشته باشیم و در دانشکده‌های پزشکی ما امروز کتاب قانون تدریس نشود نه تنها پزشکان آتی ما بی سواد نخواهند بود بلکه از مقام شیخ الرئیس کاسته نشده است. ارزش تاریخی و اهمیت فلسفی قانون و بالاخره نبوغ ابن سینا یعنی آنچه مایه افتخار تمام ایرانیانست بجای خود برقرار است ولی اصول پزشکی شیخ الرئیس را نمیتوان بکار برد و اگر گفته شود که در قانون ابن سینا حقایقی نهفته است که ممکنست دانستن آنها ما را ارشاد کند خلاف گفته نشده است ولی احساسات و غیرت ملی ما نباید ما را وادار کند که تعصب را بر منطق مقدم داریم.

اگر بیک ایراد به ترجمه دکتر مظهر شاه وارد باشد این است که ایشان هم باین فکر افتاده‌اند که شاید بکار بردن روش طب یونانی یا بقراطی آنطور که در قانون بیان شده است به پیشرفت علم پزشکی امروز کمک کند. این ادعای دکتر مظهر شاه که صراحتاً نموده و تلویحاً مییاشد، بدو دلیل قابل توجیه و بخشش است. اول اینکه بسیار مشکل است دانشمندی مثل دکتر مظهر شاه پس از تماس نزدیک با افکار عظیم شیخ الرئیس تحت نفوذ نوع او قرار نگرفته باشد و بیاس تجلیل هم شده باشد سعی نکند عقائد او را جامه عملی ببوشاند. دوم اینکه در پاکستان و هند مشکلات پزشکی بقدری زیاد است که پزشکان

بشردوست این ممالک که می‌بینند منافع و نتایج پیشرفتهای پزشکی دنیسای مرفعی هنوز از دست هموطنان آنان خارج است باین فکر نیافتند که شاید بتوان لایق از اصول بهداشتی قدما بنحوی استفاده کرد .

امید است که دکتر مظهر شاه باعزم راسخ و هنرمندی خود کتابهای دوم و سوم و چهارم و پنجم «القانون فی الطب» ابن سینا را ترجمه کنند که در آنصورت خدمت ارزنده‌ای را که با چاپ کتاب اول قانون بتاریخ پزشکی نموده‌اند از هر جهت تکمیل نمایند . در حال حاضر کتاب ایشان از مغان بسیار پسندیده‌ای برای دانشجویان پزشکی و پزشکان بطور کلی میباشد و اگر انشاءالله روزی هر پنج کتاب قانون بهمین نحو ترجمه شده باشد مجموعه نفیسی برای هر کتابخانه پزشکی و علاقمندان کتب تاریخی و پزشکی خواهد بود .

